

نخستین شعاع وحی

روزبعثت پیامبر اسلام مانند روز تولد و رحلت آنحضرت از نظر تاریخ چندان قطعی نیست، دانشمندان شیعه تقریباً متفق اند که آنحضرت در بیست و هفتم ماه «رجب» مبعوث گردیده و نبوت او از همان روز شروع شد، ولی مشهور میان دانشمندان سنی اینست که بزرگ پیشوای اسلام در ماه رمضان باین مقام بزرگ نائل گردید، و در آنماه پر برکت و مبارک حضرتش برای راهنمایی مردم از طرف خدای جهان ماموریت پیدا کرد و بامتنب رسالت و نبوت مفتخر شد.

از آنجا که شیعه خود را پیرو هترت و اهل بیت پیامبر میداند و بحکم حدیث «تقلین» گفتار پیشوایان خود از هر نظر قطعی و صحیح می شمارد - لذا - درباره تعیین روزبعثت پیامبر اسلام پیرو قولی شدند که از اهل بیت آنحضرت برای آنان، بطور صحیح نقل شده است، فرزندان آنحضرت میگویند بزرگ خاندان مادر ماه رجب در بیست و هفتمین روز آنماه مبعوث گردید روی این مقدمات نباید آنان در صحت و پای برجائی قول مزبور شك و تردیدی بخود راه دهند.

چیزیکه میتواند برای قول دیگر مدرك شمرده شود، همان تصریح قرآن بر اینکه، آیات الهی (قرآن) در ماه رمضان نازل گردیده از آنجا که روزبعثت، روز آغاز وحی و نزول قرآن بوده است بنابراین بایست نتیجه گرفت که روزبعثت در همان ماهی است که قرآن در آنماه فرو فرستاده شده است، و آنماه همان ماه رمضان است، اینک آیاتیکه دلالت دارد بر اینکه قرآن در ماه مبارک نازل گردیده است.

۱- «شهر رمضان الذی انزل فیه القرآن» بقره - ۱۸۵، ماه رمضان ماهی است که در آنماه قرآن فرو فرستاده شده است.

۲- «حم والکتاب المبین انا انزلناه فی لیلۃ مبارکة» دخان - ۲ و ۳ سوگند بقرآن که ما آنرا در یک شب مبارک فرو فرستادیم و آن همان شب قدر است که در سوره قدر،

بر آن تصریح شده است چنانکه فرموده انا انزلناه فی لیلة القدر؛ ما قرآن را در شب قدر، فرو فرستادیم .

دانشمندان شیعه در برابر این استدلال چه میگویند

محدثان و مفسران از این گروه از استدلال مزبور با طرق گوناگون پاسخهایی گفته و توضیحاتی داده اند اینک به بیان برخی از آنها میپردازیم .

پاسخ اول : آیات فوق فقط دلالت دارند بر اینکه قرآن در ماه رمضان در یک شب مبارک که شب قدر است نازل گردیده، ولی محل نزول آن را بیان نمیکنند، و هیچ گواهی در دست نداریم که در آنماه بر پیامبر نازل گردیده است، چه بسا احتمال دارد که قرآن نزولهای گوناگونی داشته باشد، و بسیاری از روایات فریقین این احتمال را تأیید مینمایند، یکی از آن نزولها، نازل شدن قرآن است بطور تدریج بر پیامبر، دیگری نزول آنست یکدفعه از لوح محفوظ، به «بیت معمور» (۱) بنا بر این چه اشکالی دارد که در ماه رجب فقط آیاتی چند از سوره علق در روز بیست هفتم همان ماه نازل گردد، و تمام قرآن بطور جمع و یکدفعه در ماه رمضان از یک مقامی که قرآن نام آنرا «لوح محفوظ» بیک مقام دیگر که در روایات از آن به «بیت معمور» نام برده شده است نیز نازل شود.

چونیکه گفتار فوق را تأیید مینماید همان آیه سوره دخان است که میفرماید «**حم والكتاب المبين انا انزلناه فی لیلة مبارکة**»؛ ما کتاب را در شب مبارک نازل کردیم، (که در شهر رمضان است) نازل گردیده و بایست این نازل شدن، غیر نزولی باشد که در روز بعثت تحقق یافته، زیرا در روز بعثت آیاتی بیش نازل نگردیده است .

خلاصه سخن اینکه : آیاتی که دلالت دارد بر اینکه قرآن در ماه رمضان در لیله مبارک که قدر فرو فرستاده شد، نمیتواند دلیل بر این بشود که روز بعثت که نیز در آن روز آیاتی چند نازل گردیده در همان ماه بوده است، زیرا آیات فوق دلالت دارد که کتاب (تمام قرآن) در آنماه نازل گردیده، در صورتیکه در روز بعثت فقط پنج وحش آیه نازل شده است و لذا اخبار فریقین آیات فوق را معنی کرده و میگویند مجموع قرآن در همان ماه از لوح محفوظ به بیت معمور نازل گردیده است و دانشمندان شیعه و سنی روایات مزبور را نقل کرده و بالاخص، استاد دانشگاه «الازهر» محمد عبدالعظیم زرقانی روایات را بطور مبسوط در کتاب خود (مناهل العرفان فی علوم القرآن) وارد کرده است .

پاسخ دوم : متین ترین پاسخی که تا حال از طرف دانشمندان ابراز شده همان جواب دوم است، و مؤلف «المیزان» در توضیح آن کوشش فراوانی بخرج داده است و خلاصه آن

(۱) - برای فهم معنای لوح محفوظ و بیت معمور به کتابهای تفسیر مراجعه بفرمائید

بقرارزیراست .

؛ اینکه قرآن میفرماید ما آنرا در ماه رمضان نازل کردیم، منظور حقیقت و واقع قرآنست که بر قلب پیامبر نازل گردیده زیرا قرآن علاوه بر وجود تدریجی که بصورت آیها و سوره ها در آمده است، يك وجود جمعی واقعی دارد که خدای بزرگ پیامبر خود را از آن در يك شب معین از شبهای ماه رمضان آگاه ساخت و جایگاه اولی آن در لوح محفوظه بوده چنانکه میفرماید: بل هو قرآن مجید فی لوح محفوظ، و جایگاه دوم آن روح و قلب پهناور رسول اکرم میباشد .

از آنجا که رسول اکرم از تمام قرآن آگاهی داشت دستور آمد که درباره قرآن عجله نفرماید؛ تا آنکه دستور نزول تدریجی آن صادر شود چنانکه میفرماید: **ولا تمعجل بالقرآن من قبل ان یقضی الیک وحیه** : عجله به بیان قرآن مکن پیش از آنکه حکم وحی آن صادر گردد .

خلاصه این پاسخ اینست که قرآن يك وجود جمعی علمی واقعی دارد که یکدفعه در ماه رمضان نازل گردید، و يك وجود تدریجی دارد که آغاز نزول روز به مت بوده و تا پایان عمر آنحضرت بطور تدریج نازل میگردد .

پاسخ سوم : چنانکه در شماره دوم از سال سوم اجمالاً بیان شد، وحی دارای مراتبی است که اولین مرتبه ای که نبی با آن مواجه میگردد، همان رؤیا و خوابهاست و صادق است، و مرتبهی دیگر آن ندای غیبی و آسمانی آنرا بدون اینکه با فرشتهای مواجه شود میشود، و آخرین درجه آن اینست که با سخنان خدا در حالیکه فرشتهای را مشاهده میکند، از او شنیده و بوسیله او از حقایق عوالم دیگر آگاه گردد .

از آنجا که نفس انسانی در مرتبه اول تحمل تمام مراتب وحی را ندارد ناچار بایست تحمل آن تدریجی و بطور جسته جسته باشد بنابراین بایست گفت : در روز بهمت (روز بیست هفتم) تأمدتی پس از آن فقط آنحضرت ندای آسمانی را مبنی بر اینکه او رسول و فرستاده شده خدا است می شنید، و هیچگاه در چنین روزی آیهای نازل نشده سپس پس از مدتی در ماه رمضان نزول تدریجی قرآن شروع شده است و خلاصه این پاسخ اینست که : مبعوث شدن پیامبر در ماه رجب ملازم با نزول قرآن در آنماه نیست، روی این بیان چه اشکالی دارد قرآن در ماه رمضان نازل گردد، و پیامبر در ماه رجب مبعوث برسالت شوند .

پاسخ مزبور اگرچه با بسیاری از متون تاریخ موافق نیست زیرا بسیاری از مورخین تصریح کرده اند که آیاتی از سوره «علق» در همان روز بهمت نازل شده ، ولی مع الوصف روایاتی نیز داریم که جریان روز بهمت فقط با شنیدن ندای غیبی تمام کرده و سخنی از نزول قرآن و یا آیات بمیان نیآورده است ، بلکه موضوع را چنین تشریح مینماید که او در

آنروز، پیامبر فرشته‌ای را دید که باو میگوید: یا محمد انک لرسول و در برخی از روایاد فقط شنیدن ندا نقل شده و سخن از رؤیت فرشته بمیان نیامده است برای توضیح بیشتر به بحار الانوار ج ۱۸ (از طبع جدید،) صفحات: ۱۸۴، ۱۹۰، ۱۹۳ مراجعه شود.

ایمان آنحضرت پیش از بعثت

از دیر زمانی است که مسئله‌ی مزبور مورد بحث و گفتگو میان دانشمندان شیعه و سنی است، مسائلی بقرار زیر طرح کرده و بهر کدام پاسخی داده‌اند.

۱- آیا پیامبر اسلام پیش از بعثت پیرو آئینی بوده؟
 ۲- بر فرض اینکه پیرو آئین بوده، آیا ما مور بود بر طبق آئین خود عمل کند یا نه؟
 ۳- در صورتیکه پیرو آئین دیگری بوده، آیا آن آئین برخود رسولا کرم مستقلا الهام شده بود، و بطور استدلال بآن آئین عمل میکرد، یا اینکه در شماره پیروان همان آئین بوده است.

۴- حالا خواه عمل کردنش بآن آئین بر سبیل استقلال باشد یا بطور تبع، آن آئین آئین کدام يك از پیامبران پیش بوده است، این چهار طرحی است که در لابلای کتابها سیرت و تاریخ و تفسیر بچشم میخورد، ولی آیا لزوم دارد که ما نسبت بمسائل فوق جواب قطعی بگوئیم، آیا اساساً بحث در پیرامون این جزئیات تاچه درجه لزوم دارد که با زیرو رو کردن تاریخ و تفسیر، سیرت و آثار آنحضرت نسبت به پرسش‌های فوق پاسخ محکم بدهیم. ما تصور مینمائیم: که بحث در پیرامون خصوصیات مسئله چندان لزومی ندارد، بلکه آنکه حائز اهمیت است اینست که با دلائل کافی اثبات کنیم که آنحضرت پیش از بعثت موحد و خدا پرست زاهد و عابد بوده است، علاوه بر این اظهار نظر قاطع در جزئیات مسئله و جواب گفتن به پرسشهای پیش آنها بصورت جزم و قطع تا حدی مشکل است و ادله‌ای که در دست داریم نسبت بخصوصیات مسئله مفید قطع و یقین نیست. لذا میگوئیم: بادو روش مامیتوانیم مطلب فوق (ایمان رسول خدا و عبادتهای او) را حل نمائیم. اینک بیان دوطریق:

اول: بررسی زندگانی چهل ساله او پیش از بعثت، دوم: دقت در آنچه در این باره از پیشوایان اسلام وارد شده است.

۱- خلاصه زندگانی چهل ساله او را، عفت و پا کدามنی، امانت و صداقت، راستی و درستی، احسان و نیکی به بینوایان و زبردستان تنفر از پستان و بت پرستان بطوریکه در سفریکه بسوی شام بمنوان تجارت نمود هنگامیکه طرف معامله قسم به بت یاد نمود حضرتش فرمود: پلیدترین چیزها که همواره مورد خشم من هست همین «لات و عزی» است که تو بآنها سوگند یاد مینمائید، از اینها گذشته، عبادتهای پیاپی در ماه های رمضان در کوه «حراء» حج‌های متوالی که امام ششم میفرماید.

پیامبر اکرم ده بار، و در روایتی بیست بار بطور پنهانی «حج» نموده است که سراسر

آن اقامه شعائری است که ابراهیم خلیل الرحمن مردم را برای آن دعوت نموده است و خواسته است که باین وسیله صفوف مردان موحد در روزهای معین در نقطه جمع گردند . و همواره هنگام غذا خوردن نام خدا را بزبان جاری مینمود و از گوشتهایی که بطور نامشروع ذبح شده بود خودداری مینمود ، و دیدن مناظر فحشاء میگساری و قماربازی او را فوق العاده ناراحت میکرد ، بطوریکه گاهی بکوه پناه میبرد و پس از گذشتن پاسی از شب بزمیکشت ، اکنون بایست دید: شخصیکه حالات او چنین و چنان بوده و از آغاز زندگی کوچکترین نقطه‌ی ضعفی در صفحه زندگی او وجود نداشته، و پاسی از عمر خود را در غارها در دامنه کوهها، در خلوتخانه‌ها به منظور عبادت و تفکر در مناظر زیبای جهان گذرانده است، آیا میتواند درباره احوال عدم ایمان داد ، هر گاه نیمی از این حالات و جزئیات را در یک فرد عادی مشاهده میکردیم، اعتقاد قطعی به ایمان و خداشناسی، و وظیفه شناسی او پیدا مینمودیم تا چه رسد به رسول اکرم .

۲- دومین طریق برای کشف حقیقت ملاحظه آثار و روایات زیادی است که از پیشوایان اسلام بدست ما رسیده است از آن جمله ، گفتاریست که پیشوای موحدان در خطبه‌ی قاصه فرموده است: **و لقد قرن الله به من لدن کان فطیماً اعظم ملک من ملائکته یسلک به طریق المکارم و محاسن اخلاق العالم لیله و نهاره .** نهج البلاغه . ج ۲ ص ۱۸۲ طبع مصر. خداوند بزرگترین فرشته‌ای از فرشتگانش را از وقتی که پیامبر از شیر گرفته شده بود ، همشین او گردانید که او را در شب و روز براه بزرگوارها و خوهای نیکوی جهان سیر دهد...

مقایسه آنحضرت با حضرت مسیح

جای شك نیست که پیامبر آخر الزمان از هر نظر بر انبیاء سلف برتری دارد و صریح قرآن درباره برخی از انبیاء اینست که بعضی از آنان در دوران کودکی و صباوت بمقام نبوت نائل گردیده و کتاب برای آنها فرو فرستاده شده است مثلاً: قرآن درباره یحیی «یحیی» چنین میفرماید: **یا یحیی خذ الكتاب بقوة و آتیناه الحکم صیبا .** مریم - ۱۲ : ای یحیی با نیروی (یزدانی) کتاب را بگیر، و در حال کودکی با وحکم دادیم .

هنگامیکه عیسی بن مریم در کهواره بود، سران «بنی اسرائیل» مادر او را تحت فشار قرارداد و پدر فرزند را از او میخواستند مریم مردم را متوجه کهواره نمود که پاسخ پرسش خود را از او دریابند، «عیسی» با کمال فصاحت و متانت آنانرا با جمله‌های زیر مخاطب ساخت: **انی عبدالله آتانی الكتاب؛ وجعلنی نبیا، وجعلنی مبارکاً اینما كنت و اوصانی بالصلاة و الزکاة مادمت حیا .** مریم ۳۱ من بنده خدایم، کتاب بمن داده و از پیامبران قرارداد است و مرا پربرکت قرارداد هر گجا باشم، و نماز و زکوة را بمن سفارش کرده تازنده

هستم فرزند «مریم» اصول و فروع دین خود را در دوران کودکی و شیرخوارگی برای ما مردم روشن میکند، و بندگی و پیروی خود را از آمین خدا پرستی برخ مردم میکند. حالا ما وجدان شمارا گواه میگیریم، جائیکه «یحیی» و «عیسی» (علیهمالسلام) از دوران سیاحت و شیرخوارگی، از صمیم دل مؤمن باشند و حقیقت فطرت را بر زبان جاری سازند در این صورت میتوان گفت: یگانه رهبر جهانیان، شریفترین مردم جهان، تاسن چهل سالگی دارای یک ایمان فوق العاده ای نبوده است با اینکه هنگام نزول «وحی» او در کوه «حراء» مشغول راز و نیاز بوده است.



توجه فرمائید

دراثر استقبال مردم مسلمان از سال جدید ماهانه مکتب اسلام، چاپ اول شماره های اولیه امسال در مدت کمی نایاب شد و موفق نشدیم که برای مشترکین جدید ارسال کنیم، اکنون پیاری خدا تجدید طبع شماره دوم از چاپ خارج و برای مشترکین جدید ارسال می گردد و شماره اول هم تحت چاپ است و بزودی منتشر میشود.